

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره سیزدهم ، شماره پنجاه ، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۰۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

صفحات: ۳۶-۸

امکان سنجی پارلمانی شدن در نظام حقوقی ایران و تاثیرات آن بر نظم عمومی جامعه

نویسندگان:

بنیامین طاهری<sup>۱\*</sup>، امیر حسین هراتی زاده<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف و زمینه: ملل مختلف براساس شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اهداف و ایدئولوژی های حاکم بر جامعه نوع خاصی از تفکیک قوا را پذیرفتند و به عرصه اجرا گذاشتند و از این رهگذر رژیم های سیاسی مختلف شکل گرفتند هدف از تحقیق حاضر، بررسی تحقیقات پژوهشی است که تاکنون در حوزه پارلمانی شدن انجام شده است. تحلیل این مطالعات منفرد و پراکنده می تواند به منظور ترکیب و یکپارچه سازی اطلاعات و داده های آن جهت استفاده پژوهشی و تحقیقاتی راه گشا باشد. همچنین این پژوهش میتواند برای پژوهش های آینده در این حوزه راهنما باشد. روش تحقیق: شیوه ما در تالیف و گردآوری این پژوهش مطالعه تحلیلی توصیفی است و با استفاده از کتب، اسناد، مقالات و اسناد حقوق مربوط به بررسی پارلمانی شدن که در استفاده از منابع ابتدا مطالب مربوطه به دقت مورد بررسی و مطالعه واقع و آن چه قابل استفاده و انعکاس در این زمینه بوده فیش برداری و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت ارائه می شود. یافته ها و نتایج پژوهش: رژیم پارلمانی حاصل تفکیک نسبی و همکاری قوا است و امروزه بسیاری معتقدند که کشورها در سراسر جهان گرایش به سمت و سوی حکومت های پارلمانی دارند. در یک رژیم پارلمانی میان قوای سه گانه به ویژه بین قوه مقننه و مجریه همکاری وجود دارد. قوه مجریه در یک رژیم پارلمانی از دو بخش متمایز رئیس مملکت و هیات وزیران تشکیل می شود که در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند.

کلید واژه ها : تفکیک قوا، نظام پارلمانی، نظام ریاستی، ولایت فقیه

۱ : دانشجو کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم- benyamin.taheri021@gmail.com

۲ : دانشجو کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشکده حقوق، دانشگاه قم- amirhossein.haratzadeh@gmail.com

## مقدمه

در سیر تاریخ، نظام های استبدادی و خودکامه به مرور جای خود را به نظام های سیاسی مبتنی بر تفکیک قوا دادند. ملل مختلف براساس شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اهداف و ایدئولوژی های حاکم بر جامعه نوع خاصی از تفکیک قوا را پذیرفتند و به عرصه اجرا گذاشتند و از این رهگذر رژیم های سیاسی مختلف شکل گرفتند (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۲۹).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از میان انواع رژیم های سیاسی مبتنی بر تفکیک قوا، رژیم نیمه پارلمانی در ایران مستقر شد که پس از یک دهه به اجرا در آمدن این نظام، با بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رژیم نیمه ریاستی جایگزین رژیم سابق شد و در این راستا پست نخست وزیری از ارکان حکومتی جمهوری اسلامی حذف گردید و ریاست قوه مجریه به رئیس جمهور واگذار شد. این نظام بر ساختار حکومتی کشور تا به امروز بدون هیچ خدشه ای پا برجا بوده است (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۱۲).

نکته حائز اهمیت این است که هر نظام سیاسی در طول زمان باتوجه به شرایط حاکم بر کشور، با دوره نوسان و ارتقا و تنزل و تکامل رو به رو می شود که در نتیجه کارآمدی خود را در مواردی خاص از دست می دهد و با پتانسیل تغییر و انعطاف پذیری ای که دارد، مجددا شروع به تقویت خویش می کند و بدین طریق از مشکلات پیش رو عبور می کند. از این رو مقام معظم رهبری در مهرماه ۱۳۹۰ در جمع دانشگاهیان کرمانشاه فرمودند که اگر روزی در آینده دور احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسئولان قوه مجریه بهتر است، هیچ اشکالی در تغییر سازوکار فعلی وجود ندارد (نقیبی منفرد، ۱۳۸۹: ۲۶).

مقام معظم رهبری در خرداد ماه ۱۳۹۸ در جمع تشکل های دانشجویی در مورد مشکلات نظام پارلمانی بیش از نظام ریاستی است، چنین فرمودند: ((در مورد آن موضوع نظام پارلمانی که یکی از دوستان گفتند بحث شده؛ اینها را ما در آن مجلسی که برای بازنگری قانون اساسی بود مفصل بحث کردیم و به این نتیجه ای که امروز هست رسیدیم؛ مشکلات نظام پارلمانی برای ما لااقل بیشتر از نظام ریاستی است. به هر حال، من مشکلی در ساختار نمی بینم. بله، ما کارگزارها اشکال داریم؛ در این شکی نیست. کارگزارها کوتاهی دارند، سلاقی گوناگون دارند، ناتوانی هایی دارند، کمبودهایی دارند، و نتیجه این میشود که گاهی در حرکت اشتباه میکنیم. اشتباه ماها هم مثل اشتباه اشخاص عادی نیست؛ ما وقتی اشتباه میکنیم، اشتباهمان شکافهای بزرگی در متن جامعه به وجود می آورد)). (به نقل از سایت اطلاع رسانی رهبری)

از این تاریخ به بعد، این پرسش در ذهن متفکر اندیشمندان و سیاستمداران ایجاد شد که آیا چارچوب ها و اقتضانات قانون اساسی، هنجارهای شرعی غالب در جامعه و فرهنگ سیاسی مردم

ظرفیت این تغییر ساختاری را دارد که به سوی یک نظام پارلمانی حرکت کنیم؟ و آیا چنین تحولی به راستی کارآمدی و پیشرفت را به همراه دارد یا خیر؟

در این نوشتار با روش توصیف و تحلیل مقالات و جمع آوری اطلاعات از منابع مکتوب کتابخانه ای در پی پاسخ به دو پرسش مزبور هستیم. لازم به ذکر است که از نظر پیشینه تحقیقاتی، مقالاتی مرتبط با این موضوع وجود دارد که عموماً در پاسخ به مسئله امکان سنجی استقرار نظام پارلمانی در کشور، قائل به رد وجود چنین ظرفیت تحولی می شوند. از جمله این مقالات می توان به حبیب نژاد و حسینی «چالش ها و رهیافت های استقرار رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران»؛ مومنی راد و بهدادفر «بررسی موانع، زمینه ها و راهکارهای پارلمانی شدن نظام جمهوری اسلامی ایران»؛ پیرعلی «بررسی نقش ساختار ریاستی یا پارلمانی در اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران» و رزاقی، حبیب نژاد و طاهری «چالش های استقرار رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، اشاره کرد. در این نوشتار با بررسی و تحلیل مقالات مزبور، ضمن وارد کردن نقدی بر ادبیات سیاسی آنها، راهکاری در جهت تحقق بخشیدن به این تحول ساختاری ارائه می شود و در پایان با بررسی ضرورت سنجی استقرار نظام پارلمانی در کشور، تاثیر حقیقی این تحول ساختاری را بر متغیر توسعه و پیشرفت بررسی می نماییم. جنبه نوآوری مقاله حاضر هر چند با عناوین پارلمانی شدن مقالات و کتبی به زبان فارسی و انگلیسی وجود دارد، تا کنون مقاله یا کتاب فارسی و انگلیسی که به موضوع پارلمانی شدن در نظام حقوقی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد به ندرت منتشر شده است. لذا لازم دانستیم در این خصوص به مطالعه و پژوهش بپردازیم. در این پژوهش قصد داریم تا پارلمانی شدن نظام حقوقی ایران با تاکید بر تفکیک اصل قوا را مورد ارزیابی قرار دهیم.

## ۲- مفهوم شناسی تفکیک قوا، مهار قدرت توسط قدرت

در مسیر رشد و تکامل جوامع، به تدریج نوعی دو دستگی در میان افراد آنها به وجود آمد و دو گروه از افراد در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. عده ای حکمرانی می کردند و عده ای دیگر فرمان می بردند. با مطالعه تاریخ جوامع می توان به این مسئله پی برد که همواره گروه نخست از قدرتی که در اختیار داشتند سوء استفاده می کردند و جوامعی سرشار از استبداد و خودکامگی ایجاد می کردند. در مقابل گروه دوم در ستم دیدگی و ضعف ناشی از قدرت بی حد و حصر گروه نخست به سر می بردند. از این رو این افراد بر آن شدند تا به نحوی در قدرت سهیم شوند و بدین طریق از قدرت و اختیارات گروه اول بکاهند. این افراد در جهت نیل به غایت خویش روش های گوناگونی را در طول تاریخ و در جوامع مختلف به کار بستند که یکی از مهم ترین این روش ها اندیشه تفکیک قوا بود (والایی شریف، ۱۳۸۴: ۳۸). «تفکیک قوا روشی بود که گروه دوم توانست قدرت تام گروه اول را مهار و به چند قوه اساسی تقسیم بندی کرده» (جوان آراسته، حسین، ۱۳۹۵) و این قدرت

ها را در برابر یکدیگر قرار دهد تا بدین طریق خودکامگی و استبداد بی حد و اندازه گروهی و ضعف و ستم پذیری گروهی دیگر از بین برود و تمامی افراد جامعه برابر تلقی شوند (نقش تبریزی، ۱۳۸۴: ۱۲).

تفکیک قوا بدین معناست که قدرت و حکومت میان چند سازمان تخصصی حاکم تقسیم می شود. به عبارت دیگر برخلاف گذشته که تمامی قدرت در یک نهاد و حتی در یک شخص به عنوان حاکم خلاصه می شد و دیگر افراد جامعه تحت امر ایشان بودند؛ امروزه «قدرت بی حد و حصر حاکم میان چند نهاد تقسیم می شود و هریک از این نهادها به انجام وظیفه خاص خود می پردازد و حق دخالت در وظیفه نهاد دیگر را ندارد» (هاشمی، ۱۳۹۸: ۹).

تفکیک قوا در جوامع مختلف به نحو یکسان اجرا نشد بلکه هر جامعه براساس تفکرات، اهداف و خواسته هایی که داشتند، دست به تفکیک قوا زدند. لذا متناسب با روشی که قدرت متمرکز میان قوای چندگانه تقسیم شد، رژیم های سیاسی مختلف شکل گرفتند. هدف از این تقسیم صرفاً جلوگیری از ایجاد حکومت های خودکامه بود حال به هر نحوی که این تقسیم بندی اجرا می شود تفاوتی در هدف اصلی ایجاد نمی کرد (اصلانی و یوسفی، ۱۳۹۳: ۲۱۸).

«یکی از اساسی ترین روش های تفکیک قوا و تقسیم قدرت این بود که حکومت و قدرت در سه دستگاه قانونگذاری، اجرایی و قضایی گرد هم آید» (جوان آراسته، ۱۳۹۵) و کوشش شود که میان قوای سه گانه حاکم توازن برقرار شود به گونه ای که هریک از آنها بدون نفوذ دیگری قادر به تصمیم گیری و انجام وظایف قانونی خود باشد.

«گوناگونی رژیم های سیاسی معاصر از نحوه برخورد جوامع مختلف در مواجهه با اندیشه تفکیک قوا پدید آمده است» (علی حسینی، علی؛ ابراهیمی، علی، ۱۳۹۲). جوامع مختلف با شرایط مکانی، زمانی، فرهنگی و با ایدئولوژی های مختلفی که داشتند، هریک به نحو ویژه ای به تفکیک و توزیع قوا پرداختند و نظام های سیاسی گوناگونی را شکل دادند. با پذیرفته شدن اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی تمامی جوامع، به طور کلی سه گونه رژیم سیاسی ریاستی، پارلمانی و نیمه ریاستی نیمه پارلمانی به وجود آمد که غالب جوامع امروزی به وسیله یکی از این سه گونه اداره می شوند و ابتدا به بررسی مختصر هریک از این سه رژیم سیاسی می پردازیم.

## ۳- بررسی وضع موجود و گذشته موضوع

## ۳-۱- نظام ریاستی

رژیم ریاستی دارای ساختاری است که در آن قوه مجریه یک رکنی است و رئیس جمهور ریاست کشور و ریاست دولت را به طور همزمان با اختیارات وسیعی داراست و این رژیم تفاوتی میان این دو جایگاه قائل نمی‌شود. نظام‌های ریاستی اصولاً به صورت جمهوری اداره می‌شوند و تفکیک قوا به نحو کامل در این نظام‌ها وجود دارد. استقلال دو جانبه رئیس جمهور و پارلمان در این نظام پذیرفته شده است و قوه مجریه در برابر قوه مقننه مسئولیت سیاسی ندارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴: ۳۹). «در رژیم‌های ریاستی، رئیس جمهور به واسطه پشتوانه رای مردم که ایشان را برگزیدند، دارای قدرت بسیاری می‌باشد» (حبیب‌نژاد، حسینی، ۱۳۹۸: ۲۴). به طور کلی در این رژیم قوا از لحاظ ساختاری کاملاً مستقل از یکدیگر هستند و بدون وابستگی به یکدیگر اداره بخشی از جامعه و اعمال قدرت را در دست می‌گیرند. هر یک از قوا کار ویژه‌ی خود را دارند و در حوزه کاری یکدیگر دخالت نمی‌نمایند. به عبارتی در این رژیم تفکیک کامل یا انعطاف ناپذیر قوا حاکم است (Linz, 1985, P. 12).

اجرای نظام ریاستی مزایایی دارد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد که سبب ثابت قدمی دولت در مسیر سیاست هایش می‌شود زیرا قوه مقننه حق عزل رئیس جمهور وزرا را ندارد و ایشان حتی در برابر مجلس پاسخگو نیستند. این نظام امکان اتخاذ سیاست‌های مستمر را افزایش می‌دهد و به علت مسئولیت کمتر دولت در برابر قوه مقننه، رئیس جمهور از اختیار عمل نسبتاً بالایی برخوردار است (Sargentich, 1993, p. 11).

در مقابل، نظام ریاستی معایبی نیز دارد. در این نظام شرایط برای خودکامگی قوه مجریه بیشتر فراهم است و رای رئیس جمهور حاکمیت کامل دارد در این نظام رئیس کشور و دولت یکی است و لذا اختیارات تام قائم به شخص رئیس جمهور است و از طرف دیگر رئیس جمهور در قبال اقدامات خویش به مجلس پاسخگو نمی‌باشد و حتی مجلس حق برکناری وی را ندارد که از این جهت نظام ریاستی مستعد هرگونه خود رایی است (بشریه، ۱۳۸۳: ۷۳). «این نوع نظام سیاسی، قوه مجریه و مقننه را در تقابل یکدیگر می‌گذارد» (پیرعلی، محمد، ۱۳۹۶: ۱۳۹). توضیح آنکه در این نظام، احتمال شکل‌گیری اکثریت متفاوت در قوه مجریه و مقننه وجود دارد. باتوجه به برگزاری انتخابات در فواصل زمانی مختلف، ممکن است در مقطعی یک حزب قوه مجریه را در اختیار بگیرد اما در انتخابات پارلمانی، حزب رقیب اکثریت را به خود اختصاص دهد که این امر باعث تقابل دو قوه شده و تصمیم‌گیری‌ها را دشوار می‌کند و سبب هدر رفتن انرژی دو قوه خواهد شد. در ادامه باید گفت که به علت تنش‌های موجود میان دولت و مجلس، تصمیم‌گیری در این نظام با تاخیرهای فراوان

همراه است و در همین راستا این نظام سیاسی از مقوله ای به نام به روز بودن فاصله می گیرد (پولادی، ۱۳۸۳: ۲۷).

### ۳-۲- نظام پارلمانی

رژیم پارلمانی حاصل تفکیک نسبی و همکاری قوا است و امروزه بسیاری معتقدند که کشورها در سراسر جهان، گرایش به سمت و سوی حکومت های پارلمانی دارند. در یک رژیم پارلمانی میان قوای سه گانه به ویژه بین قوه مقننه و مجریه همکاری وجود دارد. قوه مجریه در یک رژیم پارلمانی از دو بخش متمایز رئیس مملکت و هیات وزیران تشکیل می شود که در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند. در این نظام برخلاف نظام ریاستی، میان دو جایگاه ریاست دولت و کشور تفاوت وجود دارد. «در رژیم های پارلمانی رئیس مملکت (پادشاه یا رئیس جمهور) عنصری غیرمسئول است و نقشی نمادین و تشریفاتی دارد و بعضا حل کننده برخی تعارض های قوا می باشد» (قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، ۱۳۹۸، ص ۱۷۶) و هیات وزیران و در راس آنها نخست وزیر مسئولیت سیاسی دارند. «در این گونه از نظام ها در راس دولت نخست وزیر و در راس کشور یک رئیس بی نفوذ قرار دارد که یا رئیس جمهور است و توسط مردم و یا پارلمان انتخاب می شود مانند هند یا ترکیه و یا یک پادشاه موروثی است که بر تخت سلطنت تکیه زده است و صرفا نوعی نماد وحدت ملی به شمار می رود مانند انگلستان، نروژ و ژاپن» (حبیب نژاد؛ حسینی، ۱۳۹۸: ۲۷). در یک نظام پارلمانی رئیس دولت که همان نخست وزیر می باشد و دارای قدرت اصلی است، توسط مردم انتخاب نمی شود و غالبا رهبر حزب پیروز پارلمان است.

در رژیم های پارلمانی مردم در انتخاباتی عمومی، نمایندگان پارلمان را انتخاب می کنند و آنها نیز اعضای قوه مجریه و گاهی سایر قوا را انتخاب می کنند. در این نوع رژیم ها علاوه بر همکاری بین قوا، آنها به طرق مختلف در کار یکدیگر دخالت می نمایند و بر عملکرد یکدیگر اعمال نظارت و کنترل دارند (پیرحاجی خوزانی، ۱۳۹۳: ۸۵). «قوه مجریه در این نظام ها دو رکنی است و یک رکن مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان دارد. در مقابل قوه مجریه نیز از ابزارهای مختلفی در مقابل پارلمان برخوردار است که مهمترین آن انحلال پارلمان می باشد که دولت می تواند انحلال را از رئیس کشور درخواست نموده و به کار پارلمان پایان بخشد» (هاشمی، ج ۲، ۱۳۹۸، ص ۲۱۱).

از جمله مزایای نظام پارلمانی می توان به افزایش هماهنگی قوه مجریه و مقننه، جلوگیری از خودکامگی قوه مجریه و اعمال نظارت بیشتر بر این قوه و افزایش ابتکار عمل در قانونگذاری اشاره کرد (زاهدی شمس السادات و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۴). توضیح آنکه باتوجه به اینکه دولت اعم از نخست وزیر و وزرا توسط پارلمان انتخاب می شوند و برای تداوم کار خود به رای اعتماد پارلمان نیازمند هستند لذا در مقابل پارلمان باید پاسخگو باشند. در غیراینصورت پارلمان حق عزل آنان را

خواهد داشت و این امر از خودکامگی قوه مجریه و سایر نواقصی که در نظام ریاستی وجود دارد می‌کاهد. همچنین در یک نظام پارلمانی این امکان وجود دارد که گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله اقلیت‌های قومی در عرصه سیاست حاضر شوند که به این مشخصه می‌توان به عنوان یک مزیت نظام پارلمانی محسوب نمود. (Gerring, ۲۰۰۸, p. ۲۳)

در مقابل ، نظام‌های پارلمانی نواقصی نیز دارند. «معمولا نظام‌های پارلمانی در سیاست‌های اتخاذی استمرار ندارند و به علت تنزل قوه مجریه در برابر قوه مقننه، حوزه اجرایی دولت در این نظام سیاسی از ضعف برخوردار است» (پیرعلی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). با استقرار نظام پارلمانی، زمینه برای تشکیل دولت‌های بی‌ثبات ایجاد خواهد شد. توضیح آنکه مجلس توان انحلال دولت را دارد و به همین دلیل هرگاه پارلمان اراده نماید دولت را ساقط خواهد نمود و این امر به بی‌ثباتی دولتها کمک می‌کند. همچنین به علت عدم رعایت کامل اصل تفکیک قوا، احتمال لابی‌گری در یک نظام پارلمانی افزایش می‌یابد. همچنین به علت دخالت‌هایی که قوا در وظایف یکدیگر می‌کنند، بروکراسی اداری افزایش می‌یابد (جاسبی، ۱۳۸۳: ۴۱).

### ۳-۳- نظام نیمه ریاستی (نیمه ریاستی-نیمه پارلمانی)

آنچه که در نظام‌های سیاسی معاصر متداول است، انتخاب یکی از دو رژیم پارلمانی یا ریاستی است اما کشورهایی راه میانه‌ای را برگزیده و نام خاصی را بنا نهاده‌اند.

این گونه نظام‌ها ویژگی رژیم‌های ریاستی و پارلمانی را به صورت همزمان دارا می‌باشند و نوع چینش قوای مملکتی و تقسیم قدرت میان آنها جامع هر دو نظام است. در این نظام، رئیس‌جمهور منتخب مستقیم مردم است و در مقام ریاست کشور نسبت به رئیس‌جمهور منصوب از سوی پارلمان دارای اختیارات و ابتکار عمل گسترده در تعیین دولت و اداره امور می‌باشد (رحمانی زاده و همکاران، ۱۳۸۱: ۸۸). نخست‌وزیر و وزیران منصوب و مورد تایید رئیس‌جمهور زیر نظر او و در عین حال هماهنگ با قوه مقننه انجام وظیفه می‌نمایند. در نظام‌های نیمه ریاستی، رئیس‌جمهور توسط انتخابات عمومی برگزیده می‌شود و براساس قانون اساسی دارای اختیارات گسترده‌ای می‌باشد و وجود نخست‌وزیر و هیئت دولت وابسته به رای اعتماد اکثریت پارلمان است. بسیاری از کشورهایی که این نظام را پذیرفته‌اند از سیستم قوه مجریه یک‌رکنی یعنی رئیس‌جمهور بدون نخست‌وزیر بهره می‌برند چراکه عقیده عمومی بر این است که اگر قوه مجریه دارای نخست‌وزیر هم باشد، بیشتر توان این قوه صرف رقابت بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر می‌گردد لذا نظام‌های نیمه ریاستی معمولا بدون نخست‌وزیر می‌باشند و بدین شکل رئیس‌جمهور هم رئیس دولت و هم رئیس کشور می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۴).

یکی از مزیت های نظام های نیمه ریاستی این است که مردم به طور مستقیم رئیس جمهور و پارلمان را انتخاب می کنند. همچنین وجود احزاب و گروه های مختلف و حق انتخاب مردم از میان آنها را می توان به عنوان مزیت دیگر این نوع نظام ها برشمرد (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). از جمله عیب های این نوع نظام سیاسی نیز می توان به عدم پاسخگویی رئیس جمهور و انحلال پارلمان از سوی رئیس جمهور اشاره کرد. توضیح آنکه در این نظام سیاسی رئیس جمهور در مقابل نهاد خاصی پاسخگو نمی باشد و این امر ممکن است به خودمحموری و خودکامگی رئیس جمهور منتهی شود. همچنین علاوه بر اینکه رئیس جمهور به نهاد خاصی پاسخگو نیست بلکه اختیار انحلال پارلمان را نیز دارا می باشد. در این نظام این امکان وجود دارد «در مواقعی که رئیس جمهور و پارلمان از یک حزب نباشند رئیس جمهور از اختیارات خود جهت انحلال، تضعیف و یا تحت فشار قرار دادن پارلمان سوء استفاده نماید» (شیاری و فرهنگی، ۱۳۹۸: ۵۹).

به نظر نگارندگان، نظام سیاسی حاکم بر ایران با نظام های پارلمانی و ریاستی معاصر تفاوت دارد. مطابق قانون اساسی، اصل تفکیک قوا در نظام حاکم بر ایران پذیرفته شده و سه قوه از یکدیگر متمایز شده اند اما رابطه بین آنها به ویژه قوه مقننه و مجریه به گونه ای متفاوت از نظام های پارلمانی و ریاستی امروزی است و به نوعی میان رژیم پارلمانی و ریاستی قرار می گیرد. همچنین آنجایی که نظام حاکم بر ایران براساس اقتضائات قانون اساسی، فرهنگ سیاسی حاکم بر کشور و شریعت اسلام بومی سازی شده است، با نظام های نیمه ریاستی نیز تا حدی انطباق ندارد و شکلی خاص به خود گرفته است.

در نظام حاکم بر ایران، بر اساس اصل ۱۰۴ قانون اساسی رئیس جمهور با آرای مستقیم مردم برای مدت چهارسال انتخاب می شود. مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، در کشور ما رئیس کشور و دولت یکی است که پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی کشور است و بر اساس اصل ۱۳۳ قانون اساسی انتخاب وزیران برعهده رئیس جمهور می باشد. در نظام حاکم بر ایران، رئیس جمهور و هیئت وزیران نمی توانند باعث سقوط پارلمان شوند و همچنین مسئولیت وزرا تنها محدود به پارلمان نیست و آنها در برابر رئیس جمهور نیز مسئول هستند (دارا و خاکی، ۱۳۹۶: ۲۱۱). از این جهت می توان گفت که نظام حاکم مانند نظام های ریاستی است. از سوی دیگر وزرا برای تصدی منصب وزارت بایستی از مجلس رای اعتماد دریافت کنند و در ادامه تصدی مقام وزارت باید پاسخگوی اعمال خود در برابر پارلمان باشند که از این جهت نظام حاکم شباهتی به نظام های پارلمانی دارد. همچنین در نظام ایران، مطابق اصل ۸۹ قانون اساسی رئیس جمهور در مقابل پارلمان مسئولیت سیاسی دارد که این ویژگی یکی از شاخصه های اصلی یک نظام پارلمانی است (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴۲۹). همچنین قوه مقننه که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل شده است، مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی در حدود مقرر در این قانون می توانند به وضع قانون بپردازند و



مستقل از دو قوه دیگر عمل کنند و مطابق اصل ۷۶ قانون اساسی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارا می باشند که این مسائل اختیارات وسیعی را به نمایندگان منتخب ملت می دهد و این وسعت اختیارات قوه مقننه شباهت زیادی به مجالس قانونگذاری نظام های پارلمانی دارد (ستایش، ۱۳۸۵: ۴۹).

همانطور که ملاحظه می شود نظام سیاسی حاکم بر ایران نمی تواند مشخصا معرف یکی از سه گونه نظام تشریح شده باشد؛ چراکه خصایصی از هر سه را داراست. این امر باعث شده است تا برخی نظام سیاسی جمهوری اسلامی را یک نظام مختلط تلقی کنند (پرهیزکاری و رزاقی، ۱۳۹۶: ۵۲). ساختار منحصر به فرد جمهوری اسلامی ایران در وجه اسلامی بودن و سایر ساز و کارهای نظام، سبب شده که این نظام خصایصی بومی و منحصر به فرد داشته باشد که نمی توان آن را منطبق با مدل های حاکمیتی کنونی دانست. لذا بهتر است به جای استفاده از عناوین مشخص نظام های سیاسی، از لفظ شبه ریاستی برای معرفی نظام جمهوری اسلامی استفاده کرد. بدین معنی که این نظام با الگو برداری از نظام های روز دنیا و بومی سازی آن مطابق فرهنگ سیاسی و اجتماعی کشور، اصول و هنجارهای قانون اساسی و شریعت مقدس اسلام، شکلی منحصر به خود گرفته است که تسامحا آن را شبه ریاستی می نامیم (خلفخانی، ۱۳۹۱: ۵۳)

#### ۴. حرکت به سوی نظام پارلمانی

باتوجه به مطالبی که بیان شد متوجه شدیم که نظام حاکم بر ایران با نظام های ریاستی، نیمه ریاستی و پارلمانی تفاوت های بسیاری دارد و با الگوبرداری از مولفه های اساسی این نظام ها و سپس بومی سازی آنها مطابق هنجارها و فرهنگ سیاسی کشور، شکل ویژه ای به خود گرفته و مسیر منحصر به فردی را طی کرده است که تسامحا این شکل منحصر به فرد را شبه ریاستی می نامیم.

در ادامه ضمن بررسی چندی از عقاید حقوقدانانی که بر این باورند که حرکت نظام ایران به سوی نظام پارلمانی امکان پذیر نیست؛ به این نتیجه گیری می رسیم که با تمام دشواری هایی که در مسیر این حرکت وجود دارد، دست یافتن به این مهم امکان پذیر می باشد.

#### ۴-۱- نقصان در زیرساخت ها

برخی متفکران عقیده دارند که جهت استقرار نظام پارلمانی در کشور، ابتدا نیاز به وجود تمهیدات و ملزوماتی است که تحقق آنها منوط به تحول در زیرساخت ها است (زارعی، ۱۳۸۰: ۱۳۴). کیفیت ناکافی پارلمان در وضعیت کنونی، ناکارآمدی و عدم انسجام احزاب، کهنگی و ضعف قوانین، نگاه عمومی منفی به احزاب و تحزب در عرف سیاسی و همچنین ضعف تفکر ملی و محدودیت

دسترسی آزاد به اطلاعات، دلایلی جدی در تشکیک نسبت به تحقق مطلوب نظام پارلمانی در نظام حقوقی ایران است که به طور خلاصه برخی از این دلایل را مورد بررسی قرار می دهیم.

شاید در نگاه اول این تصور که استقرار نظام پارلمانی سبب افزایش هماهنگی میان دولت و پارلمان می شود درست به نظر برسد. اما در بررسی دقیق باید گفت که استقرار نظام پارلمانی نه تنها هماهنگی میان قوه مقننه و مجریه را افزایش نمی دهد بلکه بالعکس سبب کاهش کارآمدی و افزایش هرچه بیشتر ناسازگاری ها می شود زیرا وجود هماهنگی مناسب میان این دو قوه از پیش نیازهای ایجاد یک نظام پارلمانی موفق است و نه لزوماً از دستاوردهای آن. به عبارت دیگر تغییر ساختار نظام، راه حل صحیحی برای کاهش ناهماهنگی ها نیست و دستیابی به این مهم را باید در مسیرهای دیگری جستجو نمود (زینالو و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۶). اختلاف نظرها و تعارضاتی که میان دو قوه ایجاد می شود، بعضاً ناشی از ضعف ها و خلاء های قانون اساسی و سایر قوانین مربوط به روابط این دو قوه است. همچنین برخی دیگر از ناهماهنگی ها به عدم وجود سیستم نظارتی مناسب بر اعمال قوه مقننه و قوه مجریه و در راس آن رئیس جمهور می باشد. «نبود فرهنگ تحزب و حق به جانب بودن هریک از احزاب فعال نیز بر افزایش اختلاف نظرها موثر است» (حبیب زاده، برومند، ۱۳۹۱: ۸۷).

در چنین شرایطی، اصلاح ضعف قوانین و سیستم نظارتی حاکم بر کشور و فرهنگ سازی مناسب در زمینه همکاری و تسامح در عرصه سیاست مسیری هموار تر و کوتاه تر به نسبت تغییر ساختار نظام برای رفع مشکلات است. اگرچه تغییر نظام سیاسی حاکم بر کشور می تواند در برخی زمینه ها راهگشا باشد و حکومت را تا حدی در مسیر توسعه و پیشرفت قرار دهد، اما باید در نظر داشت که نوع نظام سیاسی تنها بازیگر صحنه توسعه و پیشرفت نیست بلکه عوامل دیگری نیز در این صحنه دخیل هستند که چه بسا اصلاح آنها امری معقول تر و به صرفه تر نیز می باشد (سهرابی، ۱۳۸۰: ۲۱۰). افزایش کارایی مجلس از طریق اصلاح قوانین در جهت فعالیت کارآمد احزاب و انجام نظارتی عالی بر آنها، امری است که سبب گسترش ارتباطات و هماهنگی ها میان قوه مجریه و مقننه نیز می شود. متأسفانه احزاب در عرصه سیاست کشور رقابتی سالم ندارند و رویه بدین صورت شده است که اگر دو حزب رقیب ریاست هریک از دو قوه را در اختیار داشته باشند، به سرکوب یکدیگر پرداخته و در جهت رشد و توسعه کشور در کنار یکدیگر فعالیت نمی کنند (سلطانی، ۱۳۹۳: ۱۵۱). از این رو درحال حاضر از نظر گرایشات سیاسی موجود در کشور، نظام پارلمانی به هیچ وجه قابل توصیه نبوده و بیش از پیش موجبات تفرقه سیاسی را در مجلس فراهم خواهد ساخت. اینها از جمله مسائلی است که بایستی از طریق ایجاد فرهنگ تحزب و تسامح و از بین بردن جو های سیاسی نادرست در کشور رفع شوند و تغییر ساختار نظام سیاسی لزوماً در رفع این مشکلات کمک کننده نخواهد بود. سیاستمداران کشور باید با مشخص کردن اهداف، بهترین

مسیرها را برای رسیدن به اهداف انتخاب نمایند تا منابع مادی و فکری کشور در مسیرهای نادرست خرج نشود (خلفخانی، ۱۳۹۱: ۵۳).

ضعف اساسی در احزاب سیاسی کشور یکی دیگر از مهم ترین نکاتی است که در خصوص انتقادات وارده به استقرار نظام پارلمانی در ایران توجه متفکران را برانگیخته و بسیاری از حقوق دانان برجسته با اشاره موکد به این علت، با پارلمانی شدن نظام مخالفت کرده اند. حضور احزاب سیاسی در جامعه، یکی از ارکان مهم جوامع مدنی مدرن می باشد. «حزب را می توان گروهی از افراد جامعه دانست که با اعتقادات و ایمان به برخی از اصول سیاسی خاص و داشتن هدف های مشترک در یک سازمان سیاسی با عنوان حزب متشکل شده و از طریق شعبه ها و قسمت های مختلف با یکدیگر ارتباط متقابل و مستمر دارند و می کوشند از طریق برنامه های مختلف، برای رسیدن به هدف ها و اجرای اصول مورد نظر، ارکانی از حکومت را مستقیما به دست گیرند» (طباطبایی مومنی، ۱۳۹۶: ۱۶۹).

در هر جامعه ای خصوصا جوامع درحال توسعه، وجود چنین تشکل هایی لازم است که بتواند مردم را تحت لوای خود در آورد و زمینه بسیج شدن آنها را در عرصه های سیاسی مختلف فراهم آورد. «حزب سیاسی می تواند حلقه ارتباط میان مردم و حکومت گران باشد و به عنوان سخنگوی اعضای جامعه، خواسته های مردم را به دولت و سیاست های دولت را به مردم منتقل نماید» (اسمعیلی طاهری، ۱۳۹۶: ۱۱۵). احزاب در فیصله مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه سرعت بخشیده و با حل بحران ها، مانع تقابل میان دولت و ملت و در نتیجه زوال حکومت می گردند. «احزاب همچنین با گرم نمودن عرصه فعالیت سیاسی از طریق تبلیغات، گفتگو و به بحث کشیدن مسائل مهم و مشکلات جدی و ارائه راهکارها، شهروندان و دولتمردان بی تفاوت را به افرادی مسئول تبدیل می کنند و با رشد فرهنگ سیاسی جامعه و آگاهی بخشیدن به مردم، زمینه های تحقق نظام حزبی پایدار را فراهم می نمایند.» (صالح آبادی و رزاقی ۱۳۹۶: ۱۴).

علی رغم سابقه یک صدساله احزاب در ایران، تا کنون هیچ حزب و تشکیلات منسجم و قوام یافته فراگیری که نماینده واقعی بخشی از طبقات اجتماعی باشد شکل نگرفته است. در شرایط کنونی جامعه که احزاب به معنای واقعی شکل نیافته است، طبیعتا صحبت از مدل های مختلف پارلمانی نیز سالبه به انتغای موضوع خواهد بود چراکه تحقق یک نظام پارلمانی به شدت وابسته به انسجام احزاب و تشکیل یک نظام حزبی موفق می باشد (قلی پور، ۱۳۸۳: ۹۳). کثرت گرایی از طریق مشارکت احزاب و گروه های سیاسی یکی از اصول مبنایی دموکراسی و نظام های پارلمانی نوین به شمار می رود. از آنجا که در نظام پارلمانی، مشروعیت دولت متکی بر رای اکثریت اعضای پارلمان است، حضور احزاب در پارلمان و در تشکیل دولت نقش آفرین می باشد. لذا لازمه تشکیل نظام پارلمانی، وجود احزابی سازمان یافته و تشکل های سیاسی قدرتمند است که قادرند به عنوان مغز

متفکر نظام، علاوه بر سازماندهی و جهت دهی به افکار عمومی، بیکره نظام سیاسی را تحت کنترل در آورده و راه را برای توسعه پایدار سیاسی هموار کنند. «یکی از کارکردهای های مهم احزاب در نظام های پارلمانی را می توان آموزش سیاسی مردم و تلاش احزاب برای افزایش مشارکت مردم در کارهای سیاسی و حکومتی دانست» (رزاقی، محمدرضا؛ حبیب نژاد و طاهری، ۱۳۹۹: ۳۰).

مطمئناً هر حزبی می کوشد برای اجرای بهتر برنامه های خود و جلب بیشتر آرا هم مردم را با جامعه پذیری سیاسی بار بیاورند و هم آن ها را تشویق به حضور پررنگ تر در فعالیت های سیاسی و انتخاباتی کنند تا کرسی های بیشتری را به خود اختصاص دهند. متأسفانه در برهه کنونی نیز به علت سابقه منفی و بدبینانه از فعالیت احزاب<sup>۱</sup> و کم رنگ بودن فرهنگ تحزب، تسامح و تساهل<sup>۲</sup> در بین اقدار سیاسی، ضعف قوانین مربوط به احزاب<sup>۳</sup> و برنامه محور نبودن احزاب در ایران، ظرفیت کافی برای تشکیل احزاب واقعی وجود ندارد. از این رو باید فرهنگ سیاسی لازم و زمینه کار و فعالیت حزبی در ایران فراهم آید و افکار جامعه را آماده پذیرش نظام حزبی نمود تا بتوان به روی کار آمدن نظام پارلمانی موفق امیدوار بود (کدیور، ۱۳۸۳: ۷۴).

یکی دیگر از زیرساخت هایی که برای فعالیت موافق احزاب و حرکت به سوی نظام پارلمانی ضروری می باشد، دسترسی آزاد به اطلاعات است. دسترسی آزاد به اطلاعات به معنای دسترسی عموم شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات خصوصی، نهادهای دولتی و فعالیت بدنه حکومت درباره اعمال حاکمیت، در عرصه ملی و بین المللی است. «آزادی اطلاعات منجر به نوعی پاسخگویی عمومی با هدف اثبات حاکمیت مردم می شود و لذا رابطه تنگاتنگی با دموکراسی دارد» (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۸: ۱۵۰). همچنین داوری در مورد اعمال و کارکردهای دولت و مقامات دولتی، از طریق مجرای اطلاعات گذر می کند. همانطور که می دانیم در یک نظام پارلمانی، هیات وزرا و سایر مقامات حکومتی در برابر پارلمان اجباراً پاسخگو هستند بدین معنی که آنها موظفند به پرسش هایی که از آنها پرسیده می شود پاسخ دهند ولو تمایلی به افشا و انتشار آن اطلاعات خواسته شده نداشته باشند و احزاب پارلمان به عنوان نمایندگان مردم دست به داوری اقدامات

---

۱: از جمله دلایل نگاه بدبینانه به احزاب در فرهنگ سیاسی ملت ایران می توان به فقدان همسویی عملکرد احزاب با سنن و اعتقادات عمومی و مذهبی، وابستگی به اجانب و وجود بی صداقتی و شعارزدگی در عملکرد احزاب اشاره کرد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴: ۴۹).

۲: مراد از کم رنگ بودن فرهنگ تحزب این است که مردم بیش از آن که توجهی به احزاب در تحولات اجتماعی داشته باشند چشم به شخصیت ها و رهبران شاخص سیاسی دارند که این امر به خوبی در شرایط کنونی جامعه قابل ملاحظه است. تساهل و تسامح نیز به معنای پذیرش چندگانگی سیاسی است. متأسفانه به دلیل ضعف ایرانیان در پذیرش نظرات دیگران و رشد تفکر خودحق پنداری در میان ایشان، بستر لازم برای فعالیت احزاب وجود ندارد و لازم است پیش از هرگونه تغییر در ساختارهای نظام، فرهنگ سازی لازم در این زمینه صورت بگیرد (فلاح زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷).

۳: یکی از موارد ضروری برای استقرار نظام پارلمانی، اصلاح قانون احزاب و یکپارچه کردن قوانین این حوزه می باشد تا به جای شکل گیری احزاب زیاد و عمدتاً بدون کارکرد مفید، زمینه شکل گیری نظام دو یا چند حزبی واقعی و کارآمد در سطح ملی به وجود آید و مقررات مزبور، شفافیت عملکردی احزاب فعال را همراه آورد (فرج پور، ۱۳۸۳: ۳۶).

مقامات حکومتی می‌زنند و تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کنند. بنابراین حق بر دانستن مردم و پارلمان به عنوان نمایندگان مردم به نحو لاینفکی با پاسخگویی و دسترسی آزاد به اطلاعات که هدف تمام نظام‌های پارلمانی می‌باشد پیوند خورده است. همچنین این شفافیت اطلاعاتی منجر به مشارکت هرچه بیشتر مردم و احزاب در عرصه سیاست می‌شود (خلیلی نژاد، ۱۳۹۵: ۶۳).

متأسفانه در نظام سیاسی حاکم بر کشور، دولت و حکومت ترجیح می‌دهد که امور را در خفا نگه دارند که همین امر سبب اختلافات گسترده مجلس و قوه مجریه می‌شود و عرصه را برای جولان احزاب تنگ می‌کند که در نتیجه حرکت به سوی یک نظام پارلمانی را دشوار می‌سازد. پیش از ایجاد یک نظام پارلمانی، می‌بایست زیرساخت‌های مربوط به آزادی دسترسی به اطلاعات و شفافیت سیاسی و اقتصادی فراهم باشد تا حزب رقیب بتواند به خوبی عمل نظارت را انجام دهد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۵۱).

#### ۴-۲- نقش ولی فقیه در نظام پارلمانی

مسئله دیگری که بیشتر از سایر نکات اشاره شده سبب تمایز نظام ایران با سایر نظام‌های سیاسی معاصر شده و در هنگام تبدیل نظام جمهوری اسلامی به یک نظام پارلمانی جلوه گر می‌شود، مسئله ولی فقیه و حدود اختیارات ایشان در یک نظام پارلمانی است. «جایگاه ویژه‌ای که قانون اساسی برای ولی فقیه در نظر گرفته بدین صورت است که ایشان بر هر سه قوه احاطه و اشراف دارند و نظارت عالی‌ه ایشان بر تمامی سازمان‌ها و ارکان حکومتی مستولی است» (هاشمی، ج ۱، ۱۳۹۸، ص ۸۸). باتوجه به متن قانون اساسی، رهبر عالی‌ترین مقام و ناظر و حل‌کننده روابط اختلافی قوای موجود است. حال به عقیده برخی حقوقدانان، اجرای نقش رهبری با تمامی وظایف و اختیارات گسترده‌ای که دارد در یک نظام پارلمانی که وسیع‌ترین اختیارات حکومتی را در اختیار پارلمان قرار می‌دهد؛ سبب ایجاد تعارض می‌شود و دو نهاد با اختیارات وسیع و معارض را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد (کعبی، ۱۳۸۴: ۴۴).

همانطور که بیان شد در یک نظام پارلمانی، حکومت از آن پارلمان است و پارلمان از بالاترین مقام و دامنه وسیعی از اختیارات برخوردار است. در نظام پارلمانی، پارلمان حق نظارت و طلب پاسخ از بسیاری از بخش‌های حکومت را دارا می‌باشد. حال در نظام جمهوری اسلامی ایران، رهبر است که عالی‌ترین مقام را دارا می‌باشد و نه پارلمان و وظایف و اختیارات رهبری بسیار متعدد است و امر نظارت بر قوای سه‌گانه را نیز برعهده دارد. عده‌ای از حقوقدانان بیان کرده‌اند که اجرای نظام پارلمانی در کشور که در آن پارلمان همه‌کاره است با دامنه وظایف و اختیارات مطلقه رهبر تناقض دارد و در صورت اجرای نظام پارلمانی، حدود اختیارات رهبری باید محدود شود که این امر خلاف قانون اساسی کشور می‌باشد چراکه قانون مزبور حدود و ثغور اختیارات رهبری را تعیین کرده است

و اگر بخواهیم از دامنه این اختیارات بکاهیم بایستی تعداد زیادی از اصول قانون اساسی را مورد بازنگری قرار دهیم (زارعی، ۱۳۸۹: ۵۹).

همانطور که می دانیم قانون اساسی هر کشور در برگیرنده چارچوب ها و پایه های نظام هر کشور است و هیچ نظامی بر نمی تابد که چارچوب های آن دستخوش تغییر شود و اساسا تغییر در چارچوب های یک نظام بدون تغییر آن نظام میسر نیست. از طرف دیگر اگر قرار باشد که نظام پارلمانی بدون محدود شدن وظایف امروزه رهبری به معرض اجرا در آید باید گفت که عملا پارلمان نمی تواند به معنای حقیقی خود اقدام به فعالیت کند و رهبری مانع و سدی برای فعالیت پارلمان در نظام پارلمانی خواهد بود (کرمزاده، ۱۳۸۶: ۲۱۰). بنابراین از یک سو با دامنه اختیارات وسیع پارلمان و از سوی دیگر با اختیارات مطلقه ولی فقیه رو به رو هستیم که این دو بایکدیگر همخوانی ندارند. اگر اختیاراتی همچون نظارت بر قوا و حل اختلاف میان آنها را که هم اکنون رهبر جامعه اسلامی بر عهده دارد، در یک نظام پارلمانی نیز بخواهیم اجرا نماییم؛ این امر به منزله این است که نهادی فراتر از پارلمان به نام رهبری وجود دارد که این مسئله با فلسفه ی حکومت پارلمانی در تعارض است زیرا در نظام پارلمانی، پارلمان عالی ترین مقام خواهد بود و آن است که بر دو قوه دیگر و سایر ارکان حکومتی نظارت می کند (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۴).

#### ۴-۳- مسئولیت سیاسی ولی فقیه در نظام پارلمانی

ایراد دیگری که حقوقدانان به حرکت نظام به سوی یک نظام پارلمانی وارد کرده اند، مربوط به مسئولیت سیاسی ولی فقیه می باشد. مسئولیت و در مقابل آن پاسخگویی و شفافیت عملکردی، یکی از عناصر مهم نظام های مبتنی بر دموکراسی است و امروزه به صورت وسیعی مسئولیت سیاسی و پاسخگو بودن زمامداران در مقابل تصمیمات و عملکردشان به صورت یک اصل غیرقابل انکار پذیرفته شده است و محور اصلی نظام های پارلمانی به شمار می رود. صرف نظر از مباحث مطرح شده در خصوص نقش و اختیارات رهبری در نظام پارلمانی، مسئله مسئولیت سیاسی رهبر در نظام پارلمانی نیز مطرح می شود. در فرض ثبات رژیم پارلمانی در کشور، دو جایگاه رئیس دولت و رئیس کشور برخلاف اوضاع کنونی از هم جدا می شوند. رئیس دولت می تواند رئیس جمهور منتخب مردم و یا رهبر حزب پیروز پارلمان به عنوان نخست وزیر باشد. در مقابل باتوجه به ساختار نظام ترسیم شده در قانون اساسی ایران، رهبر به عنوان ولی فقیه جامع الشرایط رئیس کشور خواهد بود (قلی پور، ۱۳۸۳: ۲۸).

با مشخص شدن رئیس دولت و کشور، بحث مسئولیت سیاسی این دو شخص پیش کشیده می شود. توضیح آنکه «در نظام های پارلمانی معاصر، مسئولیت سیاسی رئیس دولت به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته شده است و این اصل از ارکان یک رژیم پارلمانی است. همچنین از آنجا که در نظام

های پارلمانی امروزی، رئیس کشور در مقام حفظ پایداری دولت اصولاً کار اجرایی ندارد و صرفاً نمادی از همبستگی ملی می باشد، ایشان از مسئولیت سیاسی مبرا است» (مومنی راد و بهدادفر، ۱۳۹۶: ۱۷۱). حال همانطور که پیش تر یاد شد رهبر جامعه اسلامی فراتر از یک نماد ملی می باشد و دارای وظایف و اختیارات وسیع اجرایی و نظارتی است. در فرض اینکه ایشان در هنگام برقراری نظام پارلمانی، به عنوان رئیس کشور بخواهند به انجام وظایف خویش مبادرت ورزند، این مسئله مطرح می شود که آیا ایشان باید همانند روسای کشور نظام های پارلمانی دیگر فاقد مسئولیت سیاسی باشند و یا اینکه ایشان باتوجه به اختیاراتی که برخلاف دیگر روسای کشور نظام های پارلمانی دارند مسئولیت سیاسی خواهند داشت و باید در برابر پارلمان پاسخگو باشند (ثلاثی، ۱۳۷۱: ۴۱).

اگر بگوییم رهبر جامعه اسلامی در یک نظام پارلمانی فاقد مسئولیت سیاسی است، با مدلی از نظام پارلمانی رو به رو می شویم که در آن رئیس کشور به عنوان ولی فقیه اختیارات مطلقه دارد و در عین حال هیچگونه مسئولیت سیاسی ندارد. ولایت مطلقه را به دست فردی سپرده ایم و او را دارای اختیارات تام قرار داده ایم بدون اینکه هیچ مسئولیتی برای ایشان قائل شویم. ناگفته پیداست که این رویکرد در نظام های دموکراتیک و مردم سالار که پاسخگویی و شفافیت عملکردی در آنها ملاک مهمی می باشد، مقبول نیست. نمی توان پذیرفت که حکومتی دموکراتیک و پاسخگو باشد اما در آن ولی فقیه با اختیارات مطلقه بدون مسئولیت داشته باشیم (قوام، ۱۳۸۳: ۶۲). همچنین در قانون اساسی فعلی کشور آورده شده است که رهبر در برابر قانون با سایر افراد مملکت مساوی است و همچنین بیان شده است که ایشان در برابر مجلس خبرگان مسئولیت دارند. لذا فرض عدم مسئولیت رهبر در نظام پارلمانی را نمی توان پذیرفت چراکه نه تنها این امر برخلاف رویه نظام های پارلمانی معاصر است که در آنها پارلمان به عنوان عالی ترین مقام، از تمامی ارکان حکومتی طلب پاسخ می کند؛ بلکه برخلاف قانون اساسی کشور و اصول دموکراتیک نیز می باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۱: ۴۵).

ممکن است ایراد شود که در نظام های پارلمانی دیگر نیز رئیس کشور فاقد مسئولیت سیاسی است اما باید توجه داشت همانطور که بیان شد، در آن نظام ها رئیس کشور دارای اختیارات اجرایی نیست و به تبع عدم داشتن اختیارات، مسئولیتی نیز ندارد. اما در نظام ما، ولایت فقیه مطلق و اختیارات وی وسیع معرفی شده است و عدم مسئولیت سیاسی ایشان با این گستره از قدرت و اختیارات در تناقض است و زمینه تمرکز قدرت و خودکامگی را فراهم می آورد (علی بابایی، ۱۳۸۴: ۲۷).

در مقابل اگر بگوییم رهبر به عنوان ولی فقیه در یک نظام پارلمانی در برابر پارلمان مسئول است نیز با اشکال رو به رو می شویم. توضیح آنکه مطابق اصل ۵۷ قانون اساسی، رهبر بر سه قوه نظارت

می کند و به عبارتی این سه قوه زیر دست رهبری محسوب می شوند (کهرلی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۷). حال اگر بگوییم با استقرار نظام پارلمانی، رهبر باید در برابر پارلمان پاسخگو باشد و آموزش را تحت نظر پارلمان انجام دهد، با پدیده پاسخگویی متقابل مواجه می شویم بدین معنی که رهبر به عنوان رئیس کشور باید به قوه مقننه که از لحاظ جایگاهی زیر دست ایشان است پاسخ گوی اعمال خویش باشد و در مقابل نیز قوه مقننه زیر نظر ولایت امر به انجام وظایف خود بپردازد. مسلماً چنین نظارت متقابلی نمی تواند مفید و کارساز باشد و منجر به پاسخگویی شائبه برانگیز می شود. همچنین این امر سبب رو در رویی مجلس منتخب مردم و رهبر منتخب مردم می شود که امر پسندیده ای نیست. (طباطبایی مومنی، ۱۳۷۵: ۶۸).

اشکال سومی که مطرح می شود این است که همانطور که می دانیم پارلمان در ایران دو رکنی است. بدین معنی که مصوبات مجلس شورای اسلامی پس از تایید شورای نگهبان و عدم مغایرت با قانون اساسی و شرع عنوان قانون به خود می گیرند و اساساً مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اساس قانونی ندارد. حال در صورت پذیرش مسئولیت رئیس کشور در برابر پارلمان، با این ایرد مواجه می شویم که منتخبان مستقیم و غیرمستقیم رهبر نیز جز همان قوه مقننه ای هستند که رهبر باید در برابر آنها پاسخگو باشد و این شبهه را در ذهن تداعی می کند که منتصبان مستقیم و رهبری جزئی از نظارت بر عملکرد رهبری هستند (شبییری نژاد و صالح خو، ۱۳۸۲: ۲۳).

بنابراین به طور خلاصه می توان گفت که به واسطه اختیارات اجرایی وسیعی که رهبری دارد، در صورت استقرار نظام پارلمانی، رهبر به عنوان یک مسئول حکومتی و رئیس کشور باید در برابر پارلمان پاسخگو باشد که این پاسخگویی با شان، مقام و وظایفی که قانون اساسی برای رهبری در نظر گرفته است در تعارض قرار می گیرد که نمونه هایی از این تعارضات بیان شد. در نظام های پارلمانی معاصر، رئیس کشور فاقد اختیارات اجرایی و به تبع آن فاقد مسئولیت است و جایگاهی تشریفاتی را برعهده دارد که نظام جمهوری اسلامی با قانون اساسی فعلی منطبق با چنین نظام پارلمانی ای نیست (آذر و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۳).

## ۵- پارلمانی شدن و محدوده تغییر نظام

تا به اینجای کار دیدگاه های حقوقدانانی که معتقدند حرکت از سوی نظام فعلی به سوی نظام پارلمانی ممکن نیست بررسی گردید. حال به اثبات این امر می پردازیم که چگونه می توان به این مهم دست یافت و نوعی نظام پارلمانی را در کشور پیاده سازی کرد.

توضیح آنکه حقوقدانانی که به بررسی این مسئله پرداختند، غایت را یک نظام پارلمانی کلاسیک در نظر گرفتند و بر این اساس تحلیل نمودند که حرکت نظام فعلی جمهوری اسلامی ایران به سوی یک نظام پارلمانی مانند انگلیس غیرممکن یا بعید است. تا به اینجای کار ما نیز با آنها موافق



هستیم و باید اذعان کرد که استقرار یک نظام پارلمانی در ایران به شکل کلاسیک و رایج آن در ادبیات حقوق اساسی بعید و چه بسا غیرممکن است. اما مسئله ای که این متفکران از نظر دور داشتند این است که غایت ما لزوماً اجرای یک نظام پارلمانی صرف و به شکل کلاسیک آن نیست بلکه هنگامی که رهبر جمهوری اسلامی از تغییر نظام به یک نظام پارلمانی سخن می گوید، منظور ایجاد نظامی است که از مزایای یک نظام پارلمانی بهره مند است و نه لزوماً اینکه یک نظام پارلمانی با تمامی ویژگی های آن مستقر شود که این امر خارج از چارچوب و اقتضائات نظام فعلی و قانون اساسی آن است و تغییر قانون اساسی در سطح گسترده نیز امکان پذیر نیست چراکه این امر به مثابه لغو نظام فعلی است که هیچ نظامی چنین تغییری را بر نمی تابد. همانطور که نظام ریاستی در نظام سیاسی فعلی به صورت شبه ریاستی و با توجه به اقتضائات قانون اساسی بومی سازی شده است، نظام پارلمانی ای نیز که رهبر جمهوری اسلامی از آن سخن می گوید صورتی از نظام شبه پارلمانی را یدک می کشد (الوانی، ۱۳۸۸: ۳).

نظام فعلی کشور یک نظام ریاستی صرف نیست بلکه مطابق آنچه پیش تر از نظر گذشت، در حال حاضر نوعی نظام شبه ریاستی در کشور در حال اجرا است تا همزمان هم جنبه هایی از نظام های ریاستی معاصر را در بر گیرد و هم بومی سازی های خاص خود را داشته باشد. لذا هنگامی که صحبت از تغییر شکل نظام به نظام پارلمانی می کنیم منظور این نیست که یک نظام پارلمانی کلاسیک را پایه ریزی کنیم و بومی سازی های نظام فعلی را دور بریزیم بلکه منظور طرح ریزی یک نظامی پارلمانی همانند نظام شبه ریاستی فعلی است (کشاورز، ۱۳۸۳: ۹۱). بدین معنی که هدف این است که نظامی در کشور استقرار یابد که علاوه بر اینکه از خصایص و بومی سازی های خاص خود بهره مند است و ساختارهای اصلی نظام و هنجارهای بنیادین قانون اساسی و فرهنگ حقوقی- سیاسی جامعه ایرانی را حفظ می کند؛ چندی از مولفه های نظام های پارلمانی را نیز به اجرا در آورد. بنابراین می توان گفت که هدف اجرای یک نظام شبه پارلمانی است و حرکت ما، حرکت از سوی نظام شبه ریاستی به سوی نظام شبه پارلمانی می باشد و این نکته ای است که حقوقدانان در بیانات خود از نظر دور داشته اند (قاضی، ۱۳۷۶: ۴۳).

مسئله اجرای نظام پارلمانی و نیمه پارلمانی در کشور با مشکلات عدیده همراه است اما هدف ما از ابتدا اجرای چنین نظامی نبوده است چراکه به علت وجود خصیصه اسلامی در نظام حاکم بر کشور، اجرای نظام های کلاسیک به نحو تمام و کمال میسر نیست و قاعدتاً نیازمند تغییراتی هستند که واجد خصیصه اسلامی بودن شوند و به عبارتی بومی سازی صورت گیرد (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۱۲۶). لذا وقتی سخن از حرکت به سوی نظام پارلمانی می کنیم، منظور یک نظام پارلمانی اسلامی یا به عبارتی یک نظام شبه پارلمانی می باشد. حرکت از نظام شبه ریاستی به سوی نظام شبه پارلمانی در قدم اصلی آن بدین صورت است که پست ریاست جمهوری حذف و پست نخست

وزیری جایگزین آن می شود و توأم با این تغییر، نقش رهبری در قانون اساسی حفظ می شود و نه اینکه قدرت تام را به پارلمان انتقال دهیم و جایگاهی نمادین برای پست رهبری وضع کنیم که این همان نظام پارلمانی کلاسیک است که همانطور که حقوقدانان بیان کردند قابلیت اجرا در کشور را ندارد و خارج از چارچوب نظام است (صبوری، ۱۳۷۷: ۳۳).

تفاوت یک نظام پارلمانی کلاسیک و نظام شبه پارلمانی موردنظر ما در اعمال توجه به کار ویژه مقام رهبری با اختیاراتی است که در قانون اساسی برای ایشان شرح داده شده است. با لحاظ جایگاه حساس ولایت فقیه در نظام سیاسی جمهوری اسلامی و غیرقابل تغییر بودن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، استقرار یک نظام پارلمانی کلاسیک نمی تواند با ساختار حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران سازگار باشد (نجفی خواه، ۱۳۸۶: ۱۳). در واقع در فرض استقرار یک نظام پارلمانی کلاسیک و صرف، همانطور که پیش تر تشریح شد، مقام رهبری مشابه با جایگاه ریاست کشور تلقی خواهد شد و اختیارات اجرایی و سیاسی ایشان محدود خواهد شد که این امر خلاف ساختار و چارچوب قانون اساسی می باشد و همانطور که می دانیم تغییر در ساختار نیز غیرممکن است چراکه تغییر در ساختار یک نظام به مثابه لغو آن نظام و ایجاد یک نظام جدید خواهد بود. از طرف دیگر اگر بخواهیم مقام رهبری را بدون اعمال محدودیت در دامنه اختیارات ایشان ابقا کنیم، تعارضاتی پیش خواهد آمد که به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت (راسخ، ۱۳۸۴: ۲۷).

بنابراین هنگامی که مقام معظم رهبری از حرکت به سوی یک نظام پارلمانی سخن می گوید<sup>۱</sup>، فرض ایشان با توجه به این پیش فرض است که می خواهیم اختیارات و وظایف رهبری که در قانون اساسی فعلی کشور شرح داده شده است در نظام پارلمانی جدید نیز وجود داشته باشد. لذا دیگر نمی توان نظام مدنظر را یک نظام پارلمانی کلاسیک نامید و تسامحا از لفظ پارلمانی برای نظام مدنظر استفاده می کنیم. در حقیقت نظام مدنظر یک نظام شبه پارلمانی است. همانطور که نظام ریاستی فعلی حاکم بر کشور نیز به طور مطلق اجرا نشده بلکه قسمت هایی از آن مطابق چارچوب قانون اساسی و شرع دستخوش تغییرات و بومی سازی ها شده و با تسامح ریاستی نامیده می شود؛ حال آنکه در حقیقت یک نظام شبه ریاستی است (ظریفی نیا، ۱۳۸۷: ۷۱).

البته لازم به ذکر است که استقرار یک نظام شبه پارلمانی نیز با برخی اشکالاتی که حقوقدانان مطرح کردند و به تفصیل بررسی شد، مواجه خواهد بود اما در صورت فراهم آوردن زیرساخت ها مانند رشد فرهنگ حزب در کشور، اجرای آن در آینده دور، بعید نخواهد بود. در خصوص امکان سنجی استقرار یک نظام پارلمانی در کشور، بیان کردیم که برخلاف عقاید حقوقدانان، ما معتقدیم که باتوجه به ظرفیت قانون اساسی می توان نوعی از نظام پارلمانی را در کشور اجرا کرد و اقتضانات

و چارچوب های قانون اساسی و هنجارهای شرعی جامعه محدودکننده ما در این زمینه نخواهد بود (شفعی فرد، ۱۳۸۴: ۱۳۹). اما در خصوص کارایی و کارآمدی چنین نظامی تا زمانی که زیرساخت های آن فراهم نباشد تردید وجود خواهد داشت. استقرار یک نظام پارلمانی بدون توجه به پیش نیازهای آن وضع مطلوب تری نسبت به شرایط کنونی ایجاد نخواهد کرد. در شرایط کنونی که زیرساخت های مربوطه وجود ندارد، حاکمیت نظام فعلی بر هرگونه تغییر ناخرمدانده ای ارجحیت دارد. در گفتار پنجم، این موضوع به تفصیل بررسی می شود (سلطانی، ۱۳۸۹: ۴۷).

## ۶- ضرورت سنجی استقرار نظام پارلمانی

با توجه به مطالبی که در خصوص امکان استقرار نوعی نظام پارلمانی در کشور مطرح شد، به این نتیجه گیری رسیدیم که تحول به سوی نظام پارلمانی برخلاف آنچه که برخی حقوقدانان اذعان کرده بودند، ممکن است. اما مسئله ای که اکنون مطرح می شود این است که آیا حرکت به سوی نظام پارلمانی ضرورت دارد یا خیر. به عبارت دیگر ما به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا استقرار نظام پارلمانی بدون توجه به زیرساخت های آن، نسبت به تداوم نظام فعلی سودمند تر است یا خیر.

پاسخ به این مسئله را باید در ریشه های پیدایی چنین دغدغه ای در کشور جستجو نمود. به راستی که چرا مسئله تحول نظام مطرح شد و آیا این تحول ارزش هزینه هایی که همراه خواهد داشت را دارد یا و نسبت به تداوم نظام فعلی حرکتی رو به جلو محسوب می شود یا خیر (وکیلان، ۱۳۹۱: ۲۷۷). در خصوص علت طرح این بحث در فضای سیاسی کشور، می توان به نقصان مشارکت و تعامل قوای سه گانه در نظام فعلی اشاره کرد. این مسئله به خصوص در تعارض میان روابط دولت و مجلس در سال های اخیر نمایان می شود. توضیح آنکه به نظر می رسد هدف از طرح پیشنهاد تغییر در ساختار نظام کنونی، تحول به سوی شرایطی است که در آن قوا به نحوی هماهنگ و بدون تعارض به وظایف خویش بپردازند و در نتیجه این هماهنگی، کارآمدی نظام افزایش یابد و در مسیر پیشرفت حرکت نماییم (عزیزی نژاد، ۱۳۹۸: ۲۲۶).

اگر هدف از تغییر در ساختار نظام، افزایش کارآمدی نظام و پیشرفت است باید اذعان کرد که اگرچه هماهنگی قوا بر این مسئله اثر گذار است اما تنها راه حل نیست. توضیح آنکه باتوجه به هزینه هایی که حرکت به سوی نظام پارلمانی دارد، مناسب تر است که نتایج مورد انتظار از تغییر ساختار نظام را در راه هایی کم هزینه تر جستجو کنیم و تغییر ساختار نظام را به عنوان راه حلی پایانی قرار دهیم. پیشرفت و کارآمدی نظام صرفاً منوط به هماهنگی قوا و هماهنگی قوا لزوماً مشروط به تغییر ساختار نظام نیست، بلکه نتیجه موردنظر را می توان از طریق بهبود سایر مولفه های اثرگذار بر پیشرفت نیز جستجو نمود (قربانی درآباد، ۱۳۸۴: ۶۱).

ضمن اینکه هیچ تضمینی وجود ندارد که با تغییر در ساختار نظام، شاهد پیشرفت و کارآمدی باشیم. «شواهد تجربی از استقرار نظام پارلمانی و تاثیر آن بر گذاره پیشرفت و توسعه در نظام های سیاسی نیز از فرضیه مذکور حمایت می کند که لزوما چنین تغییری، پیشرفت و توسعه را همراه ندارد» (رزاقی و همکاران: ۱۳۹۹:). چراکه عوامل دیگری مانند عوامل اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی نیز بر توسعه بدست آمده موثر هستند (Gerring, ۲۰۰۸, p. ۳۰). لذا در مطالعات و بررسی ها باید نقش عوامل دیگر را نیز در نظر گرفت و تقلیل همه این عوامل به ریاستی یا پارلمانی بودن یک نظام حکومتی اشتباه محاسباتی ای می باشد که هزینه های سنگینی را بر دوش ما می گذارد. متفکران و نظریه پردازان در مطالعاتی که در این زمینه انجام می دهند باید مطلق نگری را کنار گذاشته و به صورت کلی مسئله را بررسی کنند تا نقش عوامل مختلف را بتوان ارزیابی کرد (ساعد، ۱۳۸۱: ۲۸).

در شرایط کنونی نظام سیاسی حاکم بر کشور، می توان هماهنگی قوا و در نتیجه آن توسعه و کارآمدی را از طریق ایجاد نظام نظارت و تعادل در نظام سیاسی حاصل نمود که راهی بس کم هزینه تر است. لذا در شرایط حاضر ضرورتی به تغییر در ساختار نظام وجود ندارد و بایستی اهداف مورد نظر را در مسیرهای دیگری جستجو نمود. هرچند همانطور که بیان شد تغییر در ساختار نظام و حرکت به سوی نظام پارلمانی امری غیر ممکن نیست اما باتوجه به هزینه هایی که چنین تحول بنیادینی دارد، این امر در حال حاضر صرفه اقتصادی ندارد و می توان در زمینه هایی دیگری اقدام به شروع اصلاحات نمود تا پیشرفت موردنظر حاصل آید. به بیان دیگر، با درنظر گرفتن هزینه های اقتصادی، فکری و انسانی تغییر ساختار نظام، و باتوجه به دستاوردهایی که از این تحول عاید می گردد؛ بایستی اذعان کرد که در شرایط کنونی چنین تحولی سودبخش نخواهد بود و شایسته تر آن است که با ابقای نظام حاکم فعلی، اهداف موردنظر را در مسیرهای دیگری جستجو نماییم (گرچی، ۱۳۸۲: ۶۶).

حرکت به سوی نظام پارلمانی را می توان تا فراهم آمدن زیرساخت های ضروری آن مانند وجود فرهنگ تحزب در جامعه به تعویق انداخت که پس از آن با تغییری که در ساختار نظام ایجاد می شود، اطمینان نسبی از حصول پیشرفت داشته باشیم. در حال حاضر نظام پارلمانی با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران فاصله قابل توجهی دارد و شایسته است پیش از تغییر در ساختار نظام، در زمینه های مزبور بهبودی حاصل نماییم. در غیر اینصورت استقرار نظام پارلمانی نه تنها کارآمد نیست بلکه ممکن است موجبات آسیب های بیشتری را نیز فراهم آورد. در برهه کنونی که زیرساخت های مورد نیاز برای استقرار یک نظام پارلمانی در کشور وجود ندارد؛ ادامه حاکمیت نظام ریاستی باتوجه به شرایط موجود معقول تر می باشد (لک زایی، ۱۳۸۳: ۱۳۳).

همچنین باید این نکته را نیز مدنظر قرار داد که نظام پارلمانی بر نظام ریاستی برتری ذاتی ندارد که حرکت به سوی آن ضروری باشد بلکه باید براساس شرایط و اوضاع و احوال زیرساخت ها، نظام سیاسی حاکم را تعیین نمود. همانطور که نظام پارلمانی از مزایایی برخوردار است، معایبی نیز دارد که از جمله مهم ترین آنها می توان به تهدید ناشی از تمرکز قدرت در این نظام اشاره کرد (یاوری و تنگستانی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). از طرف دیگر نظام ریاستی نیز در کنار نقاط ضعف، نقاط قوتی نیز نسبت به نظام پارلمانی دارد که از جمله آنها می توان به تامین مضاعف دموکراسی در سایه این نظام اشاره کرد. به ویژه در کشورهایی از جمله ایران که احزاب از قدرت کافی برخوردار نیستند، این مزیت نظام ریاستی به خوبی خود را نشان می دهد. استقرار یک نظام پارلمانی باتوجه به شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنونی کشور، خلاف اصل کارآمدی نظام سیاسی می باشد و چه بسا تداوم نظام شبه ریاستی فعلی، تا فراهم آمدن زیرساخت های نظام پارلمانی مفیدتر خواهد بود (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۶۳).

بنابراین حرکت به سوی نظام پارلمانی اگرچه ممکن است اما ضروری نیست و باتوجه به هزینه هایی که به منظور تحول در ساختار نظام باید متحمل بشویم، بهتر است نتایج مورد انتظار از استقرار نظام پارلمانی را در راه حل هایی کم هزینه تر جستجو نماییم. ضمن اینکه صرف خود استقرار نظام پارلمانی برتری ذاتی نسبت به اجرای نظام ریاستی ایجاد نمی کند و لزوما باعث پیشرفت و افزایش کارایی نمی شود بلکه عوامل دیگری نیز در کنار نوع نظام سیاسی بر پیشرفت و توسعه یک کشور اثر گذار هستند. لذا شایسته است که به تمامی این عوامل به صورت یک کل اهمیت لازم داده بشود تا منابع فکری، مادی و انسانی کشور در مسیر درست هزینه شوند (محمدی، ۱۳۸۴: ۷).

#### مقایسه نقاط ضعف در نظام پارلمانی و ریاستی

نقاط ضعف ریاستی	نقاط ضعف نظام پارلمانی
رئیس قوه مجریه خود کامه می شود.	تبدیل حکومت پارلمانی به حکومت حزبی
سخت گیری او اجازه نمی دهد با زمان همگام باشد	احتمال سلطه قوه مجریه
تصمیمات با تاخیر و غیر عادی گرفته می شود.	بی ثباتی سیاسی در نظام های پارلمانی چند حزبی
برای کشورهای دارای وسعت متوسط نامناسب است.	فقدان توازن بین قوای مقننه و مجریه
مسئولیتها تضمین نشده است	افزایش بن بست سیاسی در نظام های پارلمانی چند حزبی
	فقدان پاسخگویی و انضباط در برابر رأی دهندگان
	نادیده گرفته شدن استعداد های حزب مخالف
	فقدان استمرار در سیاستگذاری ها
	فقدان سرعت عمل در مواقع بحران

مقایسه نقاط قوت در نظام پارلمانی و ریاستی

نقاط قوت نظام ریاستی	نقاط قوت نظام پارلمانی
ثبات حکومت را تضمین می کند	توسعه هموارتر دیپلماسی پارلمانی
سیاستی مستمر و مداوم پی گیری می شود.	کاهش آرای ممتنع
ریاست جمهوری که منتخب مردم و بدون مسئولیت در برابر قوه مقننه است.	نظام مبتنی بر برنامه
مقام مناسبی برای بر آمدن از عهده ضرورتها است	کاهش هزینه های برگزاری انتخابات
از خدمات کارشناسان بهتر استفاده می کند	تقویت حضور قانونگذاران در پُست های مدیریتی
برای کشورهای دارای جوامع مختلف مناسبترین شکل حکومت است	اتحادیه های پارلمانی
اطمینان سیاستها تضمین شده است	افزایش درخواست های ملی و کلان در قیاس با درخواست های منطقه ای
روحیه حزب گرایی به کمترین حد می رسد	ارتقای کیفیت نظارت پارلمانی
-	حکومت مقتدر و مسئول
-	ترویج دموکراسی پارلمانی
-	جلوگیری از استبداد قوه مجریه
-	تقویت نظام حزبی
-	تقویت همسویی بین دولت و پارلمان
-	کاهش آمار غیبت نمایندگان در جلسات کمیسیون ها و صحن پارلمان
-	آشنایی دولتمردان با کاستی های نظام قانونگذاری
-	پویایی نظام سیاسی
-	کاهش اختلافات و هماهنگی بیشتر قوا با یکدیگر
-	مکان تحقق بیشتر شایسته سالاری
-	شناسایی استعدادها
-	جلوگیری از خودکامگی قوه مجریه در برابر دیگر قوا
-	بررسی تخصصی تر ابعاد مختلف یک موضوع

## ۷- نتیجه گیری

برخلاف نظر برخی حقوقدانان، به اجرا در آوردن نوعی نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران امکان پذیر است. هنگامی که مقام معظم رهبری از حرکت به سوی نظام پارلمانی سخن گفتند، منظور ایشان استقرار یک نظام پارلمانی کلاسیک همانند نظام حاکم بر انگلیس نبود چراکه چنین تحولی خارج از اقتضائات و محدوده قانون اساسی می باشد. ضمن اینکه چنین تحولی به معنای نادیده گرفتن هنجارهای شریعت و چارچوب های فرهنگ سیاسی- اجتماعی حاکم بر کشور نیز می باشد. مسلماً مستقر نمودن یک نظام سیاسی بر کشور بدون در نظر گرفتن شرایط موجود معقول نمی باشد. مراد رهبری از استقرار یک نظام پارلمانی در کشور، حرکت به سوی نوعی نظام پارلمانی می باشد که مطابق قانون اساسی کشور، احکام و هنجارهای شریعت و فرهنگ سیاسی غالب در جامعه بومی سازی شده است. این رویه همان چیزی است که از ابتدای انقلاب پیش گرفته شد و نوعی نظام ریاستی منحصر به فرد متناسب با شرایط جامعه بر کشور حاکم شد که آن را تسامحا شبه ریاستی نامیدیم. استقرار احتمالی نظام پارلمانی در کشور نیز خارج از این طریقه نخواهد بود و مسلماً چارچوب های خاص جامعه ایرانی در ساختار این نظام اثرگذار خواهد بود و به آن شکل ویژه ای خواهد بخشید که می توانیم آن را نیز یک نظام شبه پارلمانی بنامیم.

اگرچه چنین تحولی در ساختار حکومتی نظام، متناسب با شرایطی که بیان شد، امکان پذیر است و قانون اساسی پتانسیل و انعطاف چنین تغییری را دارد اما باید توجه داشت که هر تغییر اساسی ای نیاز به زیرساخت هایی دارد که در صورت وجود آن زیرساخت ها و پیش نیازها می توان به اثرگذاری آن تغییر امیدوار بود. تغییر در ساختار نظام نیز نیاز به فراهم آمدن فرهنگ سیاسی متناسب با آن و رشد خصایص تحزب و تساهل در میان ایرانیان است تا بتوان از مزایای نظام پارلمانی موردنظر بهترین نتایج را استخراج کرد.

در برهه کنونی که هنوز زیرساخت های مذکور در جامعه حاصل نشده است، تلاش برای استقرار یک نظام پارلمانی در کشور توجیهی ندارد و چنین نظامی سودبخش نخواهد بود. ضمن اینکه با ریشه یابی علل طرح تفکر تغییر ساختار نظام، به این نتیجه می رسیم که این تفکر، ریشه در ناهماهنگی ها و تعارض های میان قوا در سال های اخیر دارد که تغییر ساختار نظام لزوماً منجر به رفع ناهماهنگی های مزبور و در نتیجه افزایش کارآمدی نظام نمی شود چراکه عوامل دیگری نیز در کنار نوع نظام سیاسی حاکم بر کشور در این زمینه موثر است و بایستی با جامع نگری و ژرف اندیشی، در جهت بهبود تمام عوامل تاثیر گذار تلاش نمود و نه صرفاً یکی از آنها.

بنابراین از آنجاکه ارتباط مستقیم و معناداری میان نوع نظام حاکم و افزایش توسعه و کارآمدی وجود ندارد؛ استقرار نظام پارلمانی در کشور معقول نخواهد بود و در شرایط کنونی وضعیتی بهتر از

تداوم نظام فعلی ایجاد نخواهد کرد. توجه به این نکته نیز لازم است که نظام پارلمانی در مقایسه با نظام ریاستی برتری ذاتی ندارد و نوع نظام حاکم صرفاً تابعی از شرایط و اوضاع و احوال پیرامون کشور است. لذا شایسته است مادامی که پیش نیازهای ضروری نظام پارلمانی فراهم نیست، منابع مادی و فکری کشور تحت نظام سیاسی حاکم کنونی، صرف سایر ملاک های تأثیرگذار بر توسعه و کارآمدی گردد.

## ۸- منابع

### ۸-۱- منابع فارسی

#### الف) کتب

بتیهام، دیوید و بویل، کوین (۱۳۸۴) «دموکراسی چیست؟»، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران، انتشارات ققنوس

بدیع، برتران (۱۳۷۹) «توسعه سیاسی»، ترجمه احمد نقیب زاده، تهران، نشر قومس

پولادی، کمال (۱۳۸۳) «تاریخ اندیشه های سیاسی در غرب: قرن بیستم»، تهران، نشر مرکز

جاسبی، عبدالله (۱۳۸۳) «تشکل فراگیر»، تهران، تدوین و پژوهش انقلاب اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی

حسینی، سید علی (۱۳۸۶) «نظم عمومی و حاکمیت قانون در اسلام»، تهران، سلوک جوان

خلفخانی، مهدی (۱۳۹۱) «الگوهای موفق و ناموفق حکمرانی، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری»، تهران، انتشارات تپسا

خلیلی نژاد، روح الله (۱۳۹۵) «حقوق اساسی ۱ و ۲»، تهران، انتشارات مجد

دومیشل، آندره، لالومی، یر، پی (۱۳۷۶) «حقوق عمومی»، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، نشر دادگستر

دوژوره، موریس (۱۳۷۶) «جامعه شناسی سیاسی»، ترجمه ابوالفضل قاضی، انتشارات جاویدان

رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۸۵) «مردم سالاری دینی از دیدگاه محقق نائینی»، ج ۱، تهران، نشر عروج

راش، مایکل (۱۳۷۷) «جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت

ظریفی نیا، حمیدرضا (۱۳۸۷) «کالبد شکافی جناح های سیاسی ایران؛ ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸»، تهران، نشر آزادی اندیشه



- عباسی، بیژن (۱۳۸۹) « مبانی حقوق اساسی » ، تهران، انتشارات جنگل جاودانه
- علی بابایی، داوود ۲۵ « (۱۳۸۴) سال در ایران چه گذشت » ، جلد ۲ ، تهران، امید فردا
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۱) ، « بایسته های حقوق اساسی » ، تهران، نشر میزان
- فرج پور، مجید (۱۳۸۳) « فقر، فساد و تبعیض، موانع توسعه در ایران » ، تهران، موسسه خدمات فرهنگی  
رسا
- فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴) « تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران » (۱۳۸۰-  
۱۳۵۷) ، ج ۲ ، تهران، نشر عروج
- طباطبایی موتمنی، منوچهر (۱۳۷۵) « آزادی های عمومی و حقوق بشر » ، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲) « چالش های توسعه سیاسی » ، تهران، نشر قومس
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۹) « هفت ستون سیاست » ، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- کدیور، جمیله (۱۳۸۳) « کمیسیون اصل نود، فعالیتها و چالشها » ، ج ۱ ، تهران : انتشارات امید ایرانیان
- کعبی، عباس (۱۳۸۴) « ضمانت اجرایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران » ، قم، مرکز انتشارات  
موسسه آموزشی و فرهنگی امام خمینی
- هاشمی، سیدمحمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، چ ۱۵، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۸
- نقیبی منفرد، حسام (۱۳۸۹) « حکمرانی مطلوب در پرتو جهانی شدن حقوق بشر » ، تهران، موسسه  
مطالعات و پژوهش های حقوقی شهردانش
- والایی شریف، حمید (۱۳۸۴) « مدیریت شرکتی راهبرد موثر در اداره امور » ، تهران، سازمان نشر و چاپ  
بازرگانی،
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۱) « سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی » ، ترجمه محسن ثلاثی،  
تهران، انتشارات علم

## ب) لوایح

- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۹) « نقش کمیسیون های داخلی در نظارت پارلمانی، مطالعه تطبیقی » ، تهران،  
مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- شیرینی نژاد، و صالح خو، (۱۳۸۲) « زمینه های نظری و توصیه های سازمان های بین المللی در باب  
شفافیت بودجه » ، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی
- فلاح زاده، علی محمد و دیگران (۱۳۹۱) « تفکیک و اجراء تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای  
مقتنه و مجریه » ، تهران، انتشارات ریاست جمهوری معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات

قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳) « حکمرانی خوب و امکان سنجی آن در ایران » ، تهران، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

مارش، دیوید، اسنوکر، دیوید (۱۳۷۸) « روش و نظریه در علوم سیاسی » ، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی

### ج) مقالات

رزاقی، محمدرضا، حبیب نژاد، سید احمد، طاهری، محسن، «چالش های استقرار رژیم پارلمانی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۸۷، بهار، ۱۳۹۹

اسمعیلی طاهری، فائزه، «وجود و فعالیت احزاب سیاسی، پیش شرط استقرار و فعالیت نظام پارلمانی، فصلنامه مطالعات بین المللی»، سال ۱۴، ش ۵۳، تابستان، ۱۳۹۶، صص ۱۲۷-۱۰۹

علی حسینی، علی، ابراهیمی، علی، «چرایی نوسان بین الگوهای نیمه ریاستی، نیمه پارلمانی و پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های سیاست اسلامی، سال ۱، ش ۳، پاییز، ۱۳۹۲

جوان آراسته، حسین، «تفکیک قوا در نظام سیاسی اسلام و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی»، سال ۴۹، ش ۱، تابستان، ۱۳۹۵

حبیب نژاد، سید احمد، حسینی، محمدجواد، «چالش ها و رهیافت های استقرار رژیم پارلمانی در نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال ۱۶، ش ۶۱، تابستان، ۱۳۹۸، صص ۳۱-۷

اصلانی، فیروز؛ یوسفی، مصطفی (۱۳۹۳) « نظارت حقوقی بر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی » ، مجله پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ، ۱۱ زمستان، صص ۲۳۴-۲۰۹

الوانی، س. م (۱۳۸۸) « حکمرانی خود شبکه ای از کنشگران جامعه مدنی، مجله مدیریت توسعه و تحول » شماره اول، بهار، صص ۶-۱

آذر، عادل، دانایی فرد، حسین، باباشاهی، جبار، کردنائیج، اسدالله (۱۳۹۱) « تحول در رفاه ملی : آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می کند؟ » ، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره شانزدهم، شماره ، ۴ صص ۶۲-۴۵

اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۴) « جمهوری اسلامی ایران و چالش کارآمدی » ، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ، ۱ تابستان، صص ۴۷-۱۳

بشیریه، حسین (۱۳۸۳) « درآمدی بر جامعه شناسی اجماع و وفاق » ، فصلنامه ناقد، شماره ، ۳ خرداد و مرداد، صص ۸۴-۶۷

پیرحاجی خوزانی، علیرضا (۱۳۹۳) « حکمرانی مطلوب در حکومت علوی با تاکید بر حاکمیت قانون و پاسخگویی » ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان

- پرهیزکاری،عباس، رزقی،ابوالفضل (۱۳۹۶) « تعارض منافع؛راه کارهای پیشگیری و مدیریت » ، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی،شماره مسلسل ۲۲ ، ۱۵۸۰۱: اسفند ماه،ص ۶۷-۱
- دارا، جلیل و خاکی، محسن (۱۳۹۶) « کارآمدی و تداوم نظام مردم سالاری دینی از منظر سرمایه اجتماعی » ، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ، ۵۱ زمستان،ص ۲۲۲-۲۰۳
- راسخ،محمد (۱۳۸۴) « مطالعه تطبیقی مراکز پژوهشی پارلمان در سطح جهان » ، مجلس و پژوهش، نشریه مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، سال دهم فوق العاده،پاییز،شماره ، ۴۱
- رفیعی،تقی (۱۳۸۲) « پاسخگویی قوه قضاییه در برابر مجلس » ، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران،شماره ۹ و ، ۱۰ تابستان و پاییز،ص ۱۰۱ تا ۱۳۵
- رنجبر،احمد (۱۳۸۴) « نقش لابی گری در فرآیند قانونگذاری و امکان قانونمند کردن آن » ، مجلس و پژوهش،سال ، ۱۲ شماره ، ۵۰-۴۹ زمستان، ص ۴۳۶-۴۲۳
- رحمانی زاده،رهکردی و پدram سعید و حمیدرضا، (۱۳۸۱) « شفاف سازی و پاسخگویی در نهادهای رسمی » ، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ، ۹ شماره ، ۳۶ زمستان،ص ۹۵-۸۵
- زاهدی،شمس السادات و همکاران (۱۳۹۰) « افزایش اعتماد عمومی بر پایه ارتقاء فرهنگ پاسخگویی » ، پژوهشنامه مدیریت اجرایی،نیمه اول، سال سوم، شماره ، ۵ ص ۹۴-۶۹
- شیاری، علی؛ فرهنگی، محمدحسین، «بررسی موانع شکل گیری نظام پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال ، ۸، ش ۲۹، تابستان. ۱۳۹۸، صص ۶۹-۵۷
- زارعی،محمدحسین (۱۳۸۰) « فرآیند مردمی شدن، پاسخگویی و مدیریت دولتی » ، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال سوم، شماره نهم،تابستان،ص ۱۵۵-۱۲۱
- زینالو، مهدی؛ علی احمدی، علیرضا؛ نریمان، علی (۱۳۹۸) « بررسی عوامل بروز تعارض منافع در نمایندگان مجلس شورای اسلامی » ، فصلنامه سیاست گذاری عمومی : دوره ، ۵ شماره ، ۲ صفحه ۹۹-۱۱۷
- سلطانی،سیدناصر (۱۳۸۹) « درآمدی تاریخی بر مساله اجرای قانون اساسی » ، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ، ۱۳ بهار و تابستان، ص ۵۶-۳۵
- سلطانی، سید ناصر (۱۳۹۳) « علل نافرجامی تدوین و تنقیح قوانین در ایران » ، پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ، ۴۵ زمستان،ص ۱۶۴-۱۳۱
- سهرابی،ابوالفضل (۱۳۸۰) « ارائه الگوی سنجش اثربخشی در بخش دولتی » ، مجله آموزش عالی، زمستان ، ۸۰ شماره ، ۱۱ ص ۲۱۶-۱۹۵
- شفعی فرد،محمد (۱۳۸۴) « مردم سالاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حدود قدرت دولت » ، فصلنامه تخصصی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ، ۲ پاییز،ص ۱۵۶-۱۱۵

عزیزنژاد، صمد (۱۳۹۸) « ضرورت و الزامات قانون شفافیت در حوزه بودجه ریزی کشور »، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۷۵ پاییز، ص ۲۰۵-۲۳۳

قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳) « تحلیل و امکان سنجی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت »، دانش مدیریت، شماره ۶۷ زمستان، ص ۸۵-۱۱۱

کرمزاده، سیامک، (۱۳۸۶) « همایش تنقیح قوانین و مقررات؛ ضرورتها و چشم اندازها »، گزارش، فصلنامه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۱۱ سال ششم، پاییز، ص ۲۰۱-۲۱۸

کلهری، ناصر و دیگران (۱۳۹۸) « مدل لایحه حمایت از انتشارات و کتابخانه ها با استفاده از تنقیح قوانین: رویکرد داده بنیاد »، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و هفتم، شمار ۱۰۴ زمستان، ص ۳۲-۶۷

کشاوری، بهمن (۱۳۸۳) « آیا مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در کلیه امور قوه قضاییه را دارد؟ »، مشریه حقوق و کالت، شماره ۲۳ و ۲۴

گرگی، علی اکبر (۱۳۸۲) « چشم انداز کنونی حقوق اساسی، نشریه حقوق اساسی »، شماره ۱ پاییز، ص ۳۳-۹۶

گرگی، علی اکبر (۱۳۸۸) « محدودیت های حق دادخواهی در دیوان عدالت اداری و اندیشه حاکمیت قانون »، مجله حقوق اساسی، شماره ۹، ص ۱۴۹-۱۹۰

لک زایی، شریف (۱۳۸۳) « نظریه نهادی در علوم سیاسی: نهادگرایی جدید »، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۲۸ زمستان. ص ۱۱۷-۱۴۱

محمدی، علیرضا (۱۳۸۴) « هم مردم سالاری هم دینی »، مجله پرسمان، دوره ۳۶ شهریور، ص ۷

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵) « مروری بر نظریه های انقلاب در علوم اجتماعی »، فصل نامه راهبردی، شماره ۹ بهار، ص ۱۰۷-۱۵۶

نجفی خواه، محسن (۱۳۸۶) « بررسی طرح یک فوریتی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات »، فصلنامه معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ششم، شماره ۱۱ پاییز، ص ۱-۱۷

وکیلیان، حسن (۱۳۹۱) « گونه شناسی سیاست گذاری قوای تقنینی و دیدگاه ها »، مجله راهبرد، دوره ۲۱ شماره ۶۳ تابستان، ص ۲۷۱ تا ۲۹۹

هانس، کورل (۱۳۸۱) « حاکمیت بین المللی قانون و نقش سازمان ملل متحد در آستانه ورود به قرن «۲۱» »، ترجمه نادر ساعد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره دوم، آذرماه، ص ۳۱-۲۴

یاوری، اسدالله، تنگستانی، محمدقاسم (۱۳۹۴) « نظام پاسخگویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه »، مجله حقوق دادگستری، سال هشتم، پاییز، شماره ۹۵، ص ۱۸۰-۱۵۱

مومنی راد، احمد؛ بهدادفر، میثم؛ مقاله بررسی موانع، زمینه ها و راهکارهای پارلمانی شدن نظام جمهوری اسلامی، فصلنامه حکومت اسلامی، سال بیست و دوم، ش ۸۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۱۸۱-۱۵۵

پیرعلی، محمد، مقاله بررسی نقش ساختار ریاستی یا پارلمانی در افتداری جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، ش ۴، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۵۴-۱۳۳

#### د) پایان نامه

قربانی درآباد، بهزاد (۱۳۸۴) « حکمرانی خوب و ارزیابی حاکمیت و حکومت در قانون اساسی » ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

#### ۸-۲- منابع انگلیسی

Linz, Juan J, 'Presidential or Parliamentary Does it Make a Difference?' , United States ,Yale University, 1985

Gerring, John, Thacker, Storm C, Moreno, Carola; 'Are Parliamentary Systems Better?' , United States ,Boston University, 2008.

Sargentich, Thomas O; 'The Presidential and Parliamentary Models of National Government', American University International Law Review, Issue 2, Vol 8. Winter/Spring, 1993.

